

متن پرسش

سلام: بعضاً شنیده شده که اطبای سنتی با طرح نجس بودن آهن توصیه می‌کنند افراد از آهن فاصله بگیرند و این برای بعضی از ما که با این افراد ارتباط داریم موجب زحمت شده. قضیه از چه قرار است؟ چرا با وجود این روایات، فقهای ما سخنی در مورد نجس بودن آهن نفرموده‌اند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده متخصص این امر نیستم، ولی تحقیقی که یکی از فضلا داشتند را تحقیق عالمانه‌ای می‌دانم و لذا عین آن تحقیق را خدمتتان ارسال می‌کنم: موفق باشید. بسم الله الرحمن الرحیم حکم آهن را در دو مرحله بررسی می‌کنیم. مرحله ی اول: بررسی حکم آهن در روایاتی که مستقیماً از آهن و همراه داشتن آن صحبت کرده. مرحله ی دوم: بررسی حکم آهن در روایاتی که در مورد چیدن مو و یا ناخن با آهن است. مرحله ی اول در این مرحله، سه دسته از روایات نقل شده و بررسی می‌گردند. ۱- دسته ی اول: جواز همراه داشتن آهن در نماز برخی روایات همراه داشتن آهن را در نماز جایز شمرده اند و این، علاوه بر این که نشان دهنده‌ی عدم نجاست آهن است، نشان می‌دهد که همراه داشتن آن، مبطل نماز نمی‌باشد. در نامه ای از امام زمان علیه السلام سوال شده شخص نماز گزاری در لباس (آستین و یا شلوار) خود، چاقو و یا کلید آهنی دارد آیا جایز است؟ حضرت در جواب فرموده اند که این کار جایز است. یصلی الرجل و معه فی کفه او سراویله سکین او مفتاح حدید هل یجوز ذلک؟ الجواب: جایز. احتجاج، ج ۲، ص ۴۸۴ سند: این روایت را مرحوم طبرسی از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل می‌کند و با توجه به نقل وی از کتاب حمیری، و وثاقت هر دو بزرگوار، سند قابل اعتماد است. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّ عَلِيًّا ع قَالَ: السَّيْفُ بِمَنْزِلَةِ الرِّدَاءِ تُصَلَّى فِيهِ مَا لَمْ تَرِ فِيهِ دَمًا. (شمشیر به منزله‌ی لباس است، می‌توانی با آن نماز بخوانی مادامی که خون در آن نمی‌بینی) «وسائل الشیعة» ج ۳، ص: ۵۲۹» سند این روایت ضعیف است با توجه به صراحت این دو روایت در جواز همراه داشتن آهن در نماز، اگر در روایتی از همراه داشتن آهن در نماز نهی شده باشد، مشخص می‌شود که نهی از آن، نهی به صورت کراهت است. ۲- دسته ی دوم: نهی از همراه داشتن آهن در نماز در مقابل دسته‌ی اول، برخی از روایات از همراه داشتن آهن نهی نموده اند؛ حال یا این چنین است که از همراه داشتن آهن به صورت مطلق در نماز نهی نموده اند یا از همراه داشتن آهن غیر پوشیده نهی شده و یا از همراه داشتن انگشتر آهنی نهی کرده اند. ۲/۱- روایاتی که در آن‌ها از همراه داشتن آهن در نماز نهی شده است و

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْفَضْلِ الْمَدَائِنِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ فِي تَكْتِهٍ مِفْتَاحَ حَدِيدٍ. (انسان نباید در حالی که در بند شلوارش کلید آهنی است نماز بخواند) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۱۸ وَ عَنْهُ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ إِلَى أَنْ قَالَ- وَ جَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنَّ وَ الشَّيَاطِينِ- فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ- إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ قَالَ قُلْتُ:- فَالرَّجُلُ يَكُونُ فِي السَّفَرِ مَعَهُ السَّكِينُ فِي خُفِّهِ- لَا يَسْتَعْنِي عَنْهَا أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُودًا- وَ الْمِفْتَاحُ يَخْشَى إِنْ وَضَعَهُ ضَاعَ- أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ- لَا بَأْسَ بِالسَّكِينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمُسَافِرِ فِي وَفْتِ ضَرُورَةٍ- وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الضَّيْعَةَ وَ النَّسْيَانَ- وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آلَةٍ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ- وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ- فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ. (آهن، زینت اهل آتش است.... و خداوند آهن را در دنیا زینت جن و شیطان قرار داد پس بر مرد مسلمان حرام کرد که آن را در نماز بپوشد مگر این که در مقابل دشمن باشد که در این صورت بی اشکال است. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم مردی در سفر است و با او چاقویی در چکمه‌اش است که بی نیاز از آن نیست و یا این که در شلوار خود چاقویی گذاشته و آن را به خود بسته است و یا کلیدی آهنی است که اگر آن را کنار گذارد ممکن است به سختی بیفتد و یا این که کمر بند آهنی دارد. این شخص چه کند؟ فرمودند: مسافر وقتی ضرورتی به چاقو و کمر بند آهنین دارد معذور است و همچنین اگر نیازمند کلید است..... ولی در غیر این صورت‌ها باید بداند که نماز در آهن صحیح نیست چرا که آهن، نجس بوده و مسخ شده است.) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۱۹ سند هر دو روایت ضعیف است ۲/۲: روایاتی که در آن‌ها از همراه داشتن آهن غیر پوشیده در نماز نهی شده است مرحوم کلینی در کافی ج ۳، ص ۴۰۴ ذیل روایاتی که از همراه داشتن آهن در نماز نهی کرده روایتی آورده است. وسائل الشیعه از قول وی این چنین نقل می‌کند: قَالَ الْكَلْبِيُّ وَ رُوِيَ إِذَا كَانَ الْمِفْتَاحُ فِي غِلَافٍ فَلَا بَأْسَ. (وقتی کلید در یک غلاف و پوششی پوشیده شده است اشکالی ندارد) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۱۸ سند این روایت ضعیف است. ۳/۲- روایاتی که در آن‌ها از داشتن انگشتر آهنی در نماز نهی شده است مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ فِي يَدِهِ خَاتَمٌ حَدِيدٍ. (نبايد مرد نماز بخواند در حالی که در دستش انگشتر آهنین است) وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص: ۴۱۷ سند: این روایت موثقه بوده و از جهت سندی قابل قبول است وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا تَخْتَمُوا بِغَيْرِ الْفِضَّةِ- فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَا طَهَّرْتُ كَفًّا فِيهَا خَاتَمٌ حَدِيدٍ. (انگشتر به دست نکنید مگر این که نقره باشد را که رسول خدا فرمودند پاک نیست آن دستی که در آن، انگشتر آهنین است) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۱۸ سند: این روایت صحیحه بوده و از جهت سندی قابل قبول است. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ

مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ عَلَيْهِ خَاتَمٌ حَدِيدٍ قَالَ لَا وَ لَا يَتَخَنَّمُ بِهِ الرَّجُلُ فَإِنَّهُ مِنْ لِبَاسِ أَهْلِ النَّارِ الْحَدِيثِ. (از امام صادق در مورد مردی که نماز می‌خواند در حالی که انگشتر آهنین به دست دارد سوال پرسیدند. حضرت پاسخ دادند: نه، نباید مرد انگشتر آهنی دست کند چرا که لباس اهل آتش است) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۱۸ سند: این روایت موثق بوده و از جهت سندی قابل قبول است. ۳- دسته سوم: نهی از دست کردن انگشتر آهنی به صورت مطلق روایاتی که در آن‌ها از داشتن انگشتر آهنی به صورت مطلق (نه صرفاً در حال نماز) نهی شده است. فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَا طَهَّرَ اللَّهُ يَدًا فِيهَا خَاتَمٌ حَدِيدٍ. (خداوند پاک ننموده است دستی را که در آن، انگشتر آهنین است) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۲۰ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنِ التَّخْتُمِ بِخَاتَمِ صُفْرٍ أَوْ حَدِيدٍ. (رسول خدا نهی فرمودند از انگشتر به دست کردن با انگشتری زرد و یا انگشتری آهن) وسائل الشیعة، ج ۴، ص: ۴۲۰ سند: سند هر دو روایت ضعیف است نتایج: یک: عدم نجاست آهن به مقتضای روایت دسته‌ی اول و نیز به مقتضای اصالة الطهارة، آهن پاک بوده و نمی‌توان آن را نجس دانست و روایتی که آهن را نجس می‌شمارد علاوه بر این که ضعف سند دارد، در مورد نماز گزار است نه این که به صورت کلی از همراه داشتن آهن نهی کند و این «نجاست» که در روایت آمده همان طور که شهید اول از قول محقق حلی نیز فرموده است به معنای چیزی است که مستحب است از آن اجتناب نمود. ایشان می‌فرماید: قد بینا ان الحديد ليس بنجس باتفاق الطوائف، فإذا ورد التنجيس حملناه على كراهية استصحابه، فإن النجاسة قد تطلق على ما يستحب تجنُّبه، و تسقط الكراهية مع ستره، و قوفاً بالكراهية على موضع الاتفاق ممن ذكره الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج ۳، ص: ۶۴ مؤید این حکم آن است که در صحیح‌های ابوبصیر (دومین روایت مذکور در ۳/۲) و روایت دسته‌ی سوم، عدم طهارت به دست نسبت داده شده نه به خاتم در حالی که قطعاً دستی که انگشتر آهنی در آن است از جهت فقهی نجس نیست و لذا می‌توان گفت این روایت اشاره به عدم طهارت معنوی آن دست دارد و در صدد تغلیظ نهی از دست داشتن انگشتر آهنی در نماز و یا به صورت مطلق است. دو: کراهت انگشتر آهنی در نماز با توجه به روایات فوق، می‌توان گفت تنها روایاتی که قابل اعتماد است، روایاتی است که نمازگزار را از دست کردن انگشتر آهنی در نماز نهی نموده است و با توجه به آن چه گذشت، مراد از این نهی، کراهت است چرا که همان طور که در دسته‌ی اول دیدیم، همراه داشتن آهن در نماز صریحاً جایز شمرده شده است. سه: رفع نهی از همراه داشتن آهن به وسیله‌ی پوشاندن آن اگر هم با توجه به دسته ۲/۱ بگوییم همراه داشتن آهن به صورت مطلق در نماز نهی شده است، لازم است به وسیله‌ی روایات دسته ۲/۲، بگوییم همان آهن نیز اگر پوشیده گردد دیگر نهی ندارد همان طور که مرحوم شیخ طوسی در کتاب نهاییه صفحات ۹۸ و ۹۹ همین مطلب را می‌فرماید. پس نه می‌توان آهن را نجس دانست چون علاوه بر این که روایت صحیح بر طهارت آن داشته و اصالة الطهارة نیز همین حکم را می‌کند، هیچ روایت صحیح‌السندی بر نجاست آن نداریم و همان طور که در عبارت شهید اول هم

دیدیم، ایشان از قول محقق حلی می فرماید: طهارت آهن نزد هیچ طائفه ای از شیعه و سنی محل اختلاف نیست و همگی آن را پاک می دانند. توجه شود که این عبارت، اشاره به اجماع بر طهارت دارد. همچنین نمی توان به صورت مطلق وجود آهن در زندگی را مکروه دانست بلکه آن چه دلیل معتبر بر آن هست کراهت انگشتر آهنی در دست داشتن به هنگام نماز است و سایر موارد نیز دلیل معتبر ندارد. مرحله ی دوم بررسی حکم آهن با توجه به روایات چیدن ناخن و مو در برخی روایات آمده اگر مو و یا ناخن خود را چیدی، بایستی محل را به وسیله ی آب مسح کنی. در مقابل، روایاتی داریم که صریحا لزوم این کار را نفی می کنند. روایت اول: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْ أَظْفَارِهِ وَ شَارِبِهِ أَيْمَسَحُهُ بِالْمَاءِ فَقَالَ لَا هُوَ طَهُورٌ. (از امام صادق علیه السلام سوال شد در مورد مردی که ناخن ها و شاربش را کوتاه می کند، آیا لازم است که پس از آن، محل چیدن را مسح کند؟ فرمودند: نه، چرا که این کار خودش مایه ی پاکی است [و نیازی به پاک کردن موضع با مسح نیست]) و سائل ۱/۲۸۹ سند این روایت صحیحه است در این روایت حضرت فرموده اند در صورتی که شخصی ناخن بگیرد و یا شارب خود را کوتاه کند نیازی نیست که دست خود را خیس کند و به ناخن ها یا موی خود بکشد و صریحا وجوب این کار را نفی نموده اند. پس اگر در روایتی دیگر امر به انجام این کار کرده باشند نشان دهنده ی استحباب این عمل است نه وجوب آن. روایت دوم: عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فِي الرَّجُلِ إِذَا قَصَّ أَظْفَارَهُ بِالْحَدِيدِ- أَوْ جَزَّ شَعْرَهُ أَوْ حَلَقَ قَفَاهُ- فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَمْسَحَهُ بِالْمَاءِ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ- سِئْلَ فَإِنْ صَلَّى وَ لَمْ يَمْسَحْ مِنْ ذَلِكَ بِالْمَاءِ- قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ لِأَنَّ الْحَدِيدَ نَجَسٌ- وَ قَالَ لِأَنَّ الْحَدِيدَ لِيَأْسُ أَهْلِ النَّارِ- وَ الذَّهَبَ لِيَأْسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (از امام صادق در مورد مردی که ناخن های خود را با آهن گرفته آیا بر عهده ی اوست که آن را با آب مسح کند قبل از آن که مشغول نماز شود؟ اگر بدون این که مسح کند نماز بخواند چه حکمی دارد؟ فرمودند: باید نمازش را اعاده کند چرا که آهن نجس است. همچنین فرمودند آهن لباس اهل آتش و طلا لباس اهل بهشت است) و سائل ۱/ ۲۸۸ سند این روایت موثقه است در فهم روایت دوم به چند نکته باید توجه کرد: یک: وقتی کسی ناخن می گیرد و یا موی خود را کوتاه می کند این چنین نیست که حتما ناخن و یا مویش خیس باشد تا نجاستی از مثلا قیچی یا ناخن گیر به آن سرایت کند. پس روایت حتی در فرض خشک بودن هم دستور به مسح به آب می دهد و می فهمیم مسح به آب، از باب نجس شدن مو و یا ناخن نمی باشد. دو: مسح به آب، به معنای شستن نیست بلکه به این معنی است که دست خود را خیس کن و به محل مدّ نظر بکش و این نشان دهنده ی آن است که محل مذکور نجس نشده است و گرنه دستور به شستن می دادند نه مسح کردن. سه: در روایت اول، وجوب مسح به آب صریحا نفی شده است و به همین قرینه می فهمیم که این کار، نهایتا مستحب است. پس اگر در روایت اطلاق «نجس» شده است، می فهمیم که نجاست به معنای اصطلاحی آن نیست. چهار: با توجه به برخی روایات می فهمیم اهل سنت در یک زمانی گرفتن ناخن و کوتاه کردن مو را ناقض وضو می دانستند و لذا بعد از آن، وضو می گرفتند. به همین خاطر اگر می بینیم در روایت فوق

فرموده است بایستی نمازش را اعاده کند، احتمال صدور این روایت از باب تقیه را بسیار زیاد می‌کند. احتمال مذکور با روایت زیر تأیید می‌شود سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَى طَهْرٍ - فَيَأْخُذُ مِنْ أَظْفَارِهِ أَوْ شَعْرِهِ أَوْ يُعِيدُ الْوُضُوءَ - فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَمْسَحُ رَأْسَهُ وَ أَظْفَارَهُ بِالْمَاءِ - قَالَ قُلْتُ: فَإِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ فِيهِ الْوُضُوءَ - فَقَالَ إِنْ خَاصَمُوكُمْ فَلَا تُخَاصِمُوهُمْ - وَ قُولُوا هَكَذَا السُّنَّةُ. (از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سوال پرسیدم که پاک است و سپس ناخن و یا موهای خود را کوتاه می‌کند، آیا لازم است که وضو بگیرد؟ فرمودند: نه ولی سر خویش و ناخن‌های خود را با آب مسح کند. گفتم اهل سنت خیال می‌کنند که پس از این کار باید وضو گرفت. فرمودند: اگر با شما مشاجره کردند، شما با ایشان مشاجره نکنید و بگویید این کار ما سنت است) وسائل الشیعة، ج ۱، ص: ۲۸۷ سند این روایت صحیح است